



چرایی تغییر نگاه محافل آمریکایی به ادامه تقابل پرهزینه با ایران

آمریکا شکست را بپذیرد



سرمقاله

را با بی ثباتی روبه‌رو می‌کند و هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد بین‌المللی تحمیل خواهد کرد. همین واقعیت باعث شده است که حتی برخی محافل غربی نیز ادامه درگیری را برخلاف منافع بلندمدت آمریکا ارزیابی کنند. به عبارت دیگر، جنگ با ایران نه تنها هزینه‌های نظامی، بلکه هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی گسترده‌ای برای آغازکنندگان آن به همراه داشته است.

در نهایت، آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار شده، این است که شکست آمریکا تنها در میدان نبرد نبوده، بلکه در ناتوانی از تحقق اهداف راهبردی خود معنا پیدا می‌کند. زمانی که ادامه جنگ، به جای افزایش دستاوردها، هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتری بر آغازکننده آن تحمیل کند، اصرار بر تداوم تقابل، بیانگر ناتوانی در پذیرش واقعیت‌های جدید است.

تغییر لحن رسانه‌ها و نخبگان آمریکایی نیز مؤید همین واقعیت است که معادلات منطقه دگرگون شده و راهبرد فشار و تجاوز، دیگر کارایی گذشته را ندارد. پذیرش این واقعیت، پیش شرط هرگونه بازنگری واقع‌بینانه در سیاست آمریکا در قبال ایران خواهد بود. آمریکا برای فرار از تبعات شکست راهبردی در برابر ایران، باید بپذیرد در تجاوز به ایران و تحمیل اراده خود شکست خورده و ناچار به عقب‌نشینی است.

احتمالی آن بیشتر است، بازدارندگی به هدف اصلی خود دست یافته است.

ایران در این جنگ، علاوه بر حملات نظامی، توانسته بر محاسبات سیاسی و امنیتی طرف مقابل نیز اثر بگذارد. امروز افزایش تردیدها در میان برخی سیاستمداران، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی درباره ادامه تقابل با ایران، نشان می‌دهد که هزینه‌های این جنگ فراتر از برآوردهای اولیه بوده است. این تغییر فضا، بازتابی از تغییر در ارزیابی نخبگان آمریکایی نسبت به هزینه و فایده استفاده از گزینه نظامی است.

یکی دیگر از پیام‌های مهم جنگ، تغییر جایگاه فناوری‌های بومی در موازنه قدرت بود. تجربه این درگیری نشان داد که سامانه‌های موشکی و پهپادی، در صورت طراحی متناسب با نیازهای عملیاتی، می‌توانند بخشی از برتری سنتی قدرت‌های بزرگ را خنثی کنند. این موضوع تنها به ایران محدود نمی‌شود، بلکه الگویی است که آینده جنگ‌های منطقه‌ای و حتی جهانی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در چنین شرایطی، کشورهایی که بتوانند با هزینه کمتر، قدرت بازدارندگی مؤثرتری ایجاد کنند، از مزیت راهبردی برخوردار خواهند شد.

در کنار ابعاد نظامی، نباید از پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی این جنگ غافل شد. هرگونه تنش در پیرامون تنگه هرمز و دیگر مسیرهای انتقال انرژی، بازارهای جهانی

جنگ نیز تحقق یابد. اگر کشوری، با وجود برخورداری از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی، نتواند رفتار سیاسی طرف مقابل را تغییر دهد یا اورا به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند و اهداف از پیش طراحی‌شده برای جنگ را محقق کند، نمی‌تواند از موفقیت راهبردی سخن بگوید. از همین منظر، ارزیابی‌های منتشرشده در محافل آمریکایی، بر ناکامی واشنگتن در تحقق اهداف کلان این جنگ تأکید دارند.

جنگ با ایران نشان داد که معادلات امنیتی منطقه دیگر بالگوهای سنتی قابل تحلیل نیست. سال‌ها تصور غالب در غرب این بود که برتری فناوری، قدرت هوایی و انبوه تسلیحات دقیق، می‌تواند هرگونه مقاومت را در مدت کوتاهی در هم بشکند. اما تحولات اخیر ثابت کرد که در جنگ‌های جدید، عامل تعیین‌کننده صرفاً کیفیت تجهیزات نیست، بلکه توانایی تحمیل هزینه به طرف مقابل و تغییر محاسبات راهبردی او است.

ایران طی دود دهه گذشته، راهبرد بازدارندگی خود را بر توسعه توان بومی، قدرت موشکی، ظرفیت پهپادی و افزایش آمادگی دفاعی بنا کرده است. هدف این راهبرد، آغاز جنگ نبوده، بلکه افزایش هزینه هرگونه تجاوز احتمالی بوده است. رخدادهای جنگ اخیر نشان داد که این رویکرد توانسته در عمل کارآمد باشد. زمانی که طرف مقابل درمی‌یابد هزینه ادامه جنگ از منافع

شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در تجاوز به ایران و پیامدهای سنگین برای واشنگتن، باعث شده تا بسیاری از محافل و منابع آمریکایی خواستار پایان دادن سریع به تداوم درگیری با ایران باشند. در همین ارتباط، نشریه آمریکایی آتلانتیک در گزارشی، عملکرد واشنگتن در جنگ با ایران را مورد انتقاد قرار داده و به این جمع‌بندی رسیده است که آمریکا، با وجود برخورداری از برتری نظامی، در دستیابی به اهداف سیاسی خود ناکام مانده است. نویسنده این گزارش که مقام پیشین وزارت دفاع آمریکا است، تأکید کرده که ادامه تقابل با ایران، تنها هزینه‌های بیشتری بر آمریکا تحمیل خواهد کرد و واشنگتن باید هرچه زودتر واقعیت شکست را بپذیرد و به سمت توافق حرکت کند. طرح چنین مسئله‌ای در یکی از رسانه‌های جریان اصلی آمریکا، نشان می‌دهد که روایت رسمی واشنگتن از نتایج این جنگ، حتی در داخل آمریکا نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است و روایت شکست آمریکا در تجاوز به ایران، روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود.

آنچه بیش از هر چیز در جنگ اخیر اهمیت دارد، تغییر معیارهای سنجش پیروزی و شکست است. در ادبیات راهبردی، پیروزی صرفاً به معنای وارد کردن خسارت نظامی به دشمن و آسیب رساندن به غیرنظامیان نیست، بلکه زمانی محقق می‌شود که اهداف سیاسی

روایت بدرقه آقای شهید ایران

همه پای دینش هستیم

بهش می‌گفتند بی‌بی جان. سی سال پیش خانه و زندگی‌اش را در افغانستان جا گذاشت و آمد ایران. می‌گفت: «دو تا کیسه برنج را به هم دوختم و شد فرش زیر پیمان. روی چراغ خوراک‌پزی، هم غذا باری می‌گذاشتیم، هم خودمان را باهاش گرم می‌کردیم.»

حالا دوازده سال است یک اتاق صدمتری بالای خانه‌اش انداخته و اسمش شده حسینیه حضرت زینب علیها السلام. برایش تعریف کرد روزی که بیت را زدند، در حسینیه با همسایه‌ها دوره قرآن داشتیم. هول افتاد به جانمان. چهارده مرغ به نیت چهارده معصوم علیهم‌السلام نذر کردیم. پولمان کفاف گوسفند نمی‌داد. نزدیک اذان صبح که خبر شهادت آمد، با عکس آقا به بغل ریختیم بیرون. سیل آدم‌ها توی کوچه راه افتاد.

دست کشیدم به پارچه‌های مشکی روی زمین. یکی نرم بود و یکی زیر. بی‌بی گفت این پارچه‌های چادری را مردم از خانه‌هایشان آورده‌اند. چادرهای کهنه بوده. شستیم و اتو کردیم، شابلون اسم آقا را زدیم رویشان و در محله‌های مشهد پخش کردیم. بعد آتش‌هایش را با پشت دست از جلوی چشمش کنار زد. انگشت اشاره‌اش را بالا برد و گفت: «روز تشییع، پرچم رهبر باید بالا باشه. دشمن باید بدانه ایرانی و افغانستانی نداره. همه پای دین آقای خامنه‌ای هستیم.»

صدایش محکم بود؛ صدای زنی که سال‌ها دور از وطن زندگی کرده، اما دلش را در پای آرمانی گذاشته که مرز نمی‌شناسد.

مریم برزویی

سیدجواد نصرالله در گفت‌وگو با رسانه KHAMENEI.IR:

ایران و حزب‌الله برادران واقعی هستند



هم‌زمان با انتشار نامه بیعت دبیرکل و رزمندگان حزب‌الله لبنان با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، و پاسخ ایشان، بخش‌هایی از گفت‌وگوی سیدجواد نصرالله، فرزند ارشد شهید سید حسن نصرالله،

بازخوانی شده است؛ گفت‌وگویی که در سفر وی به ایران برای حضور در مراسم تشییع رهبر شهید، انجام شد. سیدجواد نصرالله با اشاره به استمرار حمایت ایران از محور مقاومت، تأکید می‌کند: «جمهوری اسلامی چگونه ممکن است شمارا رها کند، در حالی که از روزهای اول، زمانی که خودش در ضعیف‌ترین شرایط بود و وسط جنگ تحمیلی قرار داشت، شما را تنها نگذاشت؟ حالا چرا باید رها کند؟ رها کردن، سستی و خیانت، کار فرزندان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، امام خمینی و امام خامنه‌ای نیست.» وی همچنین از تأثیر اطمینان‌بخش ارتباط پدرش با رهبر انقلاب سخن گفته و نقل می‌کند: «من کنار پدرم می‌نشستم و می‌دیدم وجود آقا و جمهوری اسلامی چه اطمینانی به او می‌داد. یک بار کنار پدرم نشسته بودم و او با کسی تلفنی حرف می‌زد. می‌گفت این مسئله درست می‌شود. یک جمله‌اش توجهم را جلب کرد. گفت: مشکلی نیست، هرچه می‌خواهد برابم بفرستد؛ من موضوع را با آقا حل می‌کنم، خودم از ایشان می‌خواهم. منظورش امام خامنه‌ای بود.» فرزند ارشد شهید نصرالله، روابط میان جمهوری اسلامی، حزب‌الله و فرماندهان مقاومت را فراتر از مناسبات سیاسی توصیف کرده و می‌گوید: «رها کردن، ناسپاسی و خیانت رفتاری است که امپراتورها و جباران با برده‌هایشان دارند. اما همان‌طور که سید می‌گفت، ما نزد ولی فقیه عزیز و صاحب‌حرمتیم. میان جمهوری اسلامی و حزب‌الله، میان امام خامنه‌ای و سید حسن، و میان ما و برادرانمان در جایگاه‌های مختلف، به‌ویژه در سپاه، رابطه‌ای بر پایه محبت، شناخت و دلبستگی وجود دارد. من از روی شناخت حرف می‌زنم.»

اعتراف

ایران و تغییر معادله بازدارندگی

تحولات ماه‌های اخیر در غرب آسیا نشان می‌دهد که موازنه قدرت دستخوش تغییرات مهمی شده است. برخلاف تصور اولیه واشنگتن، هزینه‌های نظامی، سیاسی و راهبردی رویارویی با ایران، تصمیم‌گیری برای ادامه تنش را پیچیده‌تر کرده و نشانه‌هایی از تأثیر بازدارندگی ایران بر محاسبات کاخ سفید را آشکار ساخته است. در همین ارتباط، روزنامه نیویورک‌تایمز در تحلیلی نوشته است که به نظر می‌رسد دونالد ترامپ برای یافتن راهی جهت خروج از درگیری، بدون آنکه هزینه سیاسی آن را بپردازد، با چالش اساسی روبه‌رو شده است. طبق این گزارش، رئیس‌جمهور آمریکا اکنون سه گزینه اصلی پیش رو دارد: تشدید دوباره عملیات نظامی، افزایش فشارهای اقتصادی، یا اعلام پیروزی و پایان دادن به تنش. این گزارش همچنین به کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر آمریکا پس از روزها عملیات مستمر اشاره کرده و آن را یکی از عوامل احتیاط واشنگتن در ازسرگیری حملات علیه ایران دانسته است. این ارزیابی نشان می‌دهد که بازدارندگی تنها به معنای جلوگیری از حمله نیست، بلکه توانایی تحمیل هزینه و محدود کردن قدرت تصمیم‌گیری طرف مقابل نیز بخشی از آن است. کارشناسان آمریکایی معتقدند اگر آمریکا، با وجود برتری نظامی، ناچار شده میان گزینه‌های پرهزینه دست به انتخاب بزند و حتی برای حفظ آبروی سیاسی به دنبال مسیر خروج باشد، می‌توان نتیجه گرفت که ایران توانسته هزینه هرگونه ماجراجویی نظامی را به سطحی برساند که تصمیم‌گیران آمریکایی دیگر نتوانند با سهولت از گزینه جنگ سخن بگویند. همین تغییر در محاسبات، مهم‌ترین نشانه موفقیت راهبرد بازدارندگی ایران در شرایط کنونی است.